



ندای انقلاب

۹

ویژه خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران

انقلابی انسانی
برای
یک حکومت انسانی

چهارشنبه ها منتشر میشود

nedaye_enghelab@yahoo.com

چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۸ / ۷ اکتبر ۲۰۰۹

سر دبیر: حسن صالحی

کنگره حزب کمونیست کارگری در دسامبر برگزار میشود!

کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است

کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری ایران در نیمه اول دسامبر ۲۰۰۹ به طور علنی برگزار میشود. همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره شرکت کنند. تعداد ۲۰۰ نماینده از تشکیلاتهای حزب در کنگره شرکت خواهند کرد. از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه های خبری نیز برای حضور در کنگره دعوت بعمل خواهد آمد.

ایمیل و تلفن تماس برای اسم

نویسی:

k7.wpiran@gmail.com

0046(0)704227196

ورودیه هر نفر برای دو روز حضور در کنگره همراه با امکانات خوابگاه و غذا معادل ۱۴۰ یورو (۲۰۰ دلار، ۱۲۵ پوند، ۱۴۰۰ کرون سوئد) خواهد بود.



حمید تقوایی

سوسیالیسم ما!

ندای انقلاب: آنچه که می خوانید گزیده ای از سخنرانی حمید تقوایی در مراسم یادبود منصور حکمت در تورنتو است که سال گذشته انجام گرفت. تیرها را ما انتخاب کرده ایم.

نقد منصور حکمت به دنیا

اعتراض منصور حکمت به این دنیا و به این وضعیت، از ایران جمهوری اسلامی و از آخوند ها شروع نشد! از حکومت شاهی هم شروع نشد! از پیشرفته ترین جوامع صنعتی آن زمان، از انگلیس، آمریکا و اروپایی که منصور حکمت جوانی اش را در آنجا بود، شروع شد.

او به پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری اعتراض داشت و می گفت این زندگی شایسته انسان نیست، این وضع باید زیرو رو شود! شما سی سال کار می کنید، روزی هشت ساعت جان میکیند، از بسیاری از تفریحات و فعالیتهای ورزشی و هنری و تجربیات

محروم میشوید، خلاقیتها و استعدادهایتان زیر فشار کار اجباری برای امرار معاش امکان بروز و شکوفائی پیدا نمیکند و بعد هم که عمر فعالتان به پایان میرسد مثل یک دستمال مصرف شده کنارتان می اندازند. اگر خیلی خوشبخت باشید، در جوامعی که اندک حق و حقوقی برسمیت می شناسند و قانونی حاکم است (مثل جوامع غربی)، یک حق بازنشستگی بخور و نمیر به شما میدهند که آن هم تازه بخشی است که از حقوق ایام اشتغالتان کسر کرده اند! اگر هم جامعه ایران باشد که از همین حقوق بخور و نمیر هم خبری نیست. دستمزد کارگر شاغل را نمیدهند، حق و حقوق کارگر بازنشسته و بیکار که جای خود دارد!

سؤال اینست که چرا آدم باید اسیر این صفحه ۲

دنیایی عاری از جنایت و اعدام باید ساخت!

اطلاعیه کمیته بین المللی علیه اعدام به مناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام

سیستم قضایی که انسان ها را عامدانه از هستی ساقط میکند، خود یک سیستم جنایی و باز تولید جنایت در ابعاد به مراتب وسیعتری است.

اعدام مهمترین ابزار نولتها برای به تمکین کشاندن کل جامعه و تثبیت پایه های حکومت است. ابزاری برای ارباب مردم در مقابل حکومت. دولت های مدافع اعدام فریبکارانه اظهار میدارند اعدام را بعنوان ابزاری برای حمایت جامعه از قتل و جنایت بکار میگیرند. پشت احساس خشم قربانیان مخفی میشوند و چنین وانمود میکنند که عدالت را در خصوص قربانیان اجرا میکنند. اما واقعیت این است که هرگز هیچ جامعه ای با سلب حق زندگی محکومانش از آسایش و امنیت برخوردار نمیشود. و همواره در کل

صفحه ۳

کشتار انسان ها و گرفتن حق حیات و زندگی از انسان ها یکی از پدیده های شوم و خفت بار در جامعه بشری است. انسان تنها یک بار متولد میشود و تنها یک بار حق دارد زندگی کند. زندگی که خود منشأ تمام خلاقیت ها و استعدادها و بهروزی و سعادت و خوشبختی انسان هاست. گرفتن حیات و زندگی انسان ها با هر دلیل و بهانه و توجیهی عملا کشتن نیروی خلاق و مستعد جامعه و محروم کردن جامعه از بهره گیری از استعدادها و توانایی آن انسان در بهبود شرایط زندگی است. تعرض به جان و زندگی انسان ها شنیع ترین رفتار حاکمان جامعه نسبت به زندگی و حقوق انسانی است. جنایت و اعدام یکی از متوحش ترین رفتارهای انسانی در طول تاریخ حیات بشر است. و قوانینی که مجازات اعدام را مشروع میدارند خود قوانین جنایتکارانه میباشند.

علیه اسلام سیاسی در اروپا

قد علم کنیم!

مصاحبه با مینا احدی



ندای انقلاب: در سوئیس اخیرا بحث به رسمیت شناخته شدن سازمانهای اسلامی به عنوان سازمانهای عام المنفعه است، که هدف از آنها اساسا اخذ مالیات از سوی این سازمانها است، شرح ماجرا چیست؟

مینا احدی: بله خبر اینست که در کانتون لوزرن، سازمانی اسلامی با ادعای اینکه نماینده همه "مسلمانانی" هست که در این کانتون زندگی میکنند، خواهان به رسمیت شناخته شدن خود بعنوان سازمان عام المنفعه و از این طریق خواهان دریافت پول مالیات مردم هست. این موضوع به مباحثاتی دامن زده و مثل همیشه، طرفداران اسلام و اسلامپها، مالتی کالچریستها و احزاب سبز

صفحه ۳

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

سوسیالیسم ما / از صفحه ۱

شرایط باشند؟ چرا انسان باید برای زندگی کردن ناگزیر باشد مثل یک برده کار کند؟ چرا مردم دنیا حتی در جوامع صنعتی پیشرفته باید از نوبت ها، روز شروع کار هفتگی منتظر باشند؟ چرا کار کردن به یک اجبار زجرآور تبدیل شده است؟ چرا انسان باید نه برای خلاقیت، شکوفایی و ارتقای زندگی خودش و همگان، بلکه برای تأمین معاش و برای اینکه خود و خانواده اش زنده بمانند، کار کند؟ همانطور که کارگران در ایران اعلام کرده اند "ما زندگی نمیکنیم که کار کنیم، کار میکنیم که زندگی کنیم". و خود کار کردن اگر به یک فعالیت دواطلبانه و خلاقانه در جهت منافع کل جامعه تبدیل شود، جزء مهمی از یک زندگی انسانی خواهد بود.

اگر یک جامعه آزاد و انسانی داشته باشیم، اوقات دیگر کسی ناگزیر نیست که فعال ترین و بهترین سال های عمرش و بهترین ساعت های روزش را بفروشد برای اینکه بتواند زنده بماند. شما در جوامع موجود باید روزانه هشت ساعت به جایی بروید و مشغول فعالیتی بشوید که دوست ندارید! مجبورید بهترین ساعات عمرتان را پشت خط تولید، در کارگاه و کارخانه و یا در اداره و محل کار بگذرانید چون معاش خونتان و خانواده تان را به گرو گرفته اند! چه کسانی گرو گرفته اند؟ آنها که دست به سیاه و سفید نمی زنند! آنها که از قیل کار شما میلیاردر و مالتی میلیاردر شده اند. حال، چه آیت الله میلیاردر در ایران باشد و چه امثال "بیل گیتس" و سلاطین نفتی تگزاس در آمریکا و چه گردن کلفت های تمام کشورهای سرمایه داری غربی و تمام دنیا! و تراژدی و آن اجحاف و تبعیض فاحشی که - بقول منصور حکمت - هیچ آدم منصفی نمی پذیرد، در همینجاست! یک اقلیتی از جهان (که شاید ده درصد کل جمعیت دنیا هم نباشد)، دست به سیاه و

سفید نمی زند و خودش و هفت نسل پشت اندر پشت اش لازم نیست کار کنند! به این دلیل ساده که دارند از قبل کار من و شما، از قبل کار آن نود درصد بقیه دنیا، زندگی شان را می گزارند. اکثریت عظیم مردم دنیا باید از هیجده سالگی - و در موارد زیادی از اولین سالهای کودکی - تا زمانی که هفتاد ساله می شود، روزانه هشت ساعت، علیرغم میل و خواست خودش کار کند تا اقلیتی هر روز فربه تر و ثروتمند تر شود!

ما زندگی نمی کنیم! عده ای از قیل کار ما دارند زندگی می کنند. یک زندگی انگلی حتی برای کسی هم که دارد استثمار می کند و می خورد و می چاید انسانی باقی نمانده است!

کمونیسم انسانی

کاری که منصور حکمت کرد، این بود که این نوع نقد و اعتراض عمیق به دنیا و این احترام عمیق برای انسان و انسانیت را، سیاسی کرد. برایش نیرو جمع کرد، جنبش اش را ساخت، حزب برایش درست کرد، برنامه اش را نوشت و یک عمر فعالیت و تلاش اش را گذاشت تا این درخت رشد کند، به ثمر بنشیند و بارور شود. حزبی برای فعالیت و اعتراض برنگان مزدی، حزبی برای همه انسانهای شریف و منصف. هر کس منصف باشد، این حزب، حزب اوست. هر کسی برای انسان ها حرمت قائل باشد، این حزب، حزب اوست و کمونیسم چیزی جز این نیست. کمونیسم منصور حکمت چیزی جز این نبود.

می دانم! کمونیسم را پپچانده اند، تحریف و دفرمه اش کرده اند! کمونیسم شده است صنعت! تولید صنایع سنگین! تبدیل شده است به اینکه کشورهای عقب مانده دنیا به پای کشورهای پیشرفته برسند! کمونیسم شده "استقلال از بیگانه"! فرهنگ خودمان و آب و خاک مقدس خودمان! منصور حکمت اعلام کرد کمونیسم این نیست! نه به این خاطر که مارکس را خوب خوانده و فهمیده بود و

دیگران خوب نخوانده بودند! بخاطر اینکه آن نقطه عزیمت و آن نقطه ای که با آن شروع کرده بود، یعنی احترام به انسان و انسانیت، به شرف انسانی، به حرمت انسانی و به آزادی و برابری را در آن جوامع خاکستری بلوک شرق و شوروی یا چین مائو و غیره و غیره نمی دید!

در برابر این نوع "کمونیسمها" اساس آن کمونیسم و آن سوسیالیسمی که منصور حکمت پرچمش را بلند کرد و برایش جنگید، انسان و انسانیت بود و این را شما در هر حرکت اش، سیاست اش، مقاله اش و در هر سخنرانی اش می بینید. شفاف، روشن و ساده لازم نبود که شما حتماً تئورسین باشید، لازم نبود کتاب های زیادی خوانده یا حتماً اطلاعات سیاسی میدانید تا می فهمیدید که حق با منصور حکمت است! می فهمیدید که درست می گوید! حتی در عمیق ترین و انتزاعی ترین بحث های نظری و باصطلاح پلیمیک اش با مکاتب دیگر مدعی چپ، شما بروشنی می دیدید حق با اوست و او درست می گوید. چرا؟ چون رجوع می کند به انسانیت شما. رجوع نمی کند به تئوریهای شما، کتاب هائی که خوانده اید و یا به سابقه سیاسی گذشته شما و یا حتی به جهت گیریهای سیاسی امروز شما! کافی است که انسانیت تان فراموش نشده باشد و کافی است که هنوز این شمع در دل تان فروزان باشد تا حرف منصور حکمت به دلتان بنشیند.

نمونه های زنده ای از این منطق و مضمون انسانی بحثهای منصور حکمت را در همین سخنرانی که در اینجا پخش شد شنیدید. (منظور سخنرانی در کنگره سوم حزب است. ندای انقلاب) می گفت هر کسی که می خواهد خشونت نباشد، باید به حزب ما بپیوندد. او در نوره ای این حرف را می زد که تمام نیروهای راست و سلطنت طلب، دنیا را پُر کرده بودند از اینکه "انقلاب خشونت است! ما طرفدار تغییر و

استحاله مسالمت آمیزیم! طرفدار نافرمانی مننی و مبارزه بطریق متمدن هستیم" و پاسخ منصور حکمت این بود که اگر صلح، مسالمت و آرامش می خواهید، باید همه آزادی را به مردم بدهید! نمی توانید نزه ای آزادی بدهید و جامعه را آرام کنید! نمی توانید فقط یک کمی در اختناق را بردارید! مردم اجازه نمی دهند! این جامعه دارد منفجر می شود! حزبی می تواند بدون خشونت و با کمال تمدن و انسانیت، این جامعه را آزاد کند که خود انسانیت برایش محترم باشد. حزبی که می خواهد همان شاه را (و اینبار مثلاً با تاج کمتر جواهر نشان) بازگرداند و یا کسی که تمام امر اش تقدس پرچم، تمامیت ارضی و خلیج فارس است، اینها، هیچکدام جواب انسانیت را نمی دهند و اینها هستند که دارند خشونت و یک سناریوی سیاه را برای جامعه تدارک می بینند! دانسته یا نا دانسته! اگر شما به حرف و رأی هفتاد میلیون انسان عمل نکنید و آزادی و برابری را نیارید، مجبور خواهید بود ارتش تان را وارد میدان کنید! سرکوب و بُب و موشک را بکار بگیرید تا بتوانید جامعه را آرام کنید. بروشنی دارید اینرا می بینید که این جامعه زیر تیغ آخوند ها هم آرام نمی نشیند! می خواهید آخوند عماله اش را کمی عقب تر بگذارد و یا تاج را بجای عماله بر سر ایران بگذارد و جامعه هم قبول کند و ساکت شود؟! نمی شود! نمی توانید! کسی که نخواهد کل این وضعیت را از ریشه زیرو رو کند ناگزیر است بگوید! کونتا کند! خون بریزد! این تمدن و مسالمت جوئی نیست عین خشونت و توحش است! این کاملاً روشن است! هر کسی نزه ای در این شرایط عمیق شود، بروشنی این را می بیند که تنها راه متمدنانه رهائی جامعه مبارزه پیگیر و بی تخفیف برای تحقق آزادی و برابری است. و این حقیقت امروز بیشتر از زمان منصور حکمت روشن شده است که اگر

کسی خواهان یک "گذار انسانی" به یک جامعه آزاد و برابر است، باید به حزب منصور حکمت بپیوندد. ویژگی منصور حکمت قبل از هر چیز در این بود که انسانیت و انسان دوستی را سیاسی کرد و چه فرق عظیمی هست میان این انسان دوستی با آن انسان دوستی خیرات مبراتی سازمانها و افرادی که غیر سیاسی بودن را جزء فضایل خود میدانند! آنها که دفاتر، نهادها و کانون های حقوق بشر و انجمنهای خیریه و غیره به راه می اندازند! اینها جواب نمی دهند! اینها ناگزیر جزئی از همین سیستم و همین نظام باقی می مانند و راه به جایی نمی برند. منصور حکمت بروشنی و در پاسخ به اینکه چرا باید سیاسی شویم و چرا حزب لازم داریم، می گوید می توانید بعنوان یک مصلح، زندگی بخشی از مردم را برای مدت موقتی تغییر بدهید، اما اگر می خواهید زندگی هفتاد میلیون انسان را، عمیقاً، بهتر کنید، و یک جامعه آزاد و برابر داشته باشید باید وارد مبارزه سیاسی شوید و قدرت سیاسی را بگیرید.

گرفتن قدرت سیاسی برای حزب ما (همانطور که منصور حکمت می گفت)، عبور از تفسیر دنیا به تغییر دنیاست! شما هر اندازه که در اپوزیسیون فعال باشید، دارید دنیا را تحلیل و تفسیر می کنید! اما برای اینکه به ریشه دردها دست بیاورید، زندگی ها را تغییر دهید و انسان ها را بطور واقعی آزاد کنید، می بایست قدرت سیاسی را بگیرید و منصور حکمت به همین دلیل وارد سیاست شد. به همین خاطر حزب درست کرد و به همین دلیل مدام تأکید میکرد این یک حزب سیاسی است که می خواهد از جانب کارگران، از جانب مردم آزادیخواه و از طرف تمامی انسان های شریف و منصف، قدرت سیاسی را بگیرد و جامعه را آزاد و برابر سازد.

از صفحه ۱
مصاحبه با مینا احدی

و اسلام شناسان نان به نرخ روز خور به صف شده و در دفاع از این حق " انسانی" میکنند که اینها پول و امکانات بیشتری گرفته و در اروپا نیز رشد بیشتری بکنند. طبعاً این اولین بار نیست که با خواسته‌های این چنینی از سوی جنبش اسلامی و یا وابستگان درجه یک دولتهای تروریست اسلامی مواجه میشویم اینها خواهان رشد شریعه و قوانین اسلامی در اروپا و رسمیت یافتن آن هستند، اینها با ساختن مسجد و با تحمیل حجاب و با تهدید مخالفین و منتقدین اسلام، میخواهند در کشورهای اروپایی نیز جزایر اسلامی درست کرده و بچاپند و مثل زالو از قبل درد و رنج مردم ارتزاق کنند.

مخالفتی با این خواسته نشده؟

- چرا طبعاً در این مورد موافق و مخالف زیاد نوشته اند. بسیاری مخالف این خواست هستند، ولی به دلیل ترس از متهم شدن به خارجی ستیزی سکوت میکنند. نهاد اکس مسلم در سوئیس اطلاعیه داده و این موضع نیز در جامعه با استقبال روبرو شده است. همه حرف ما در این اطلاعیه این بود که اولاً مردمی که از کشورهای اسلام زده به سوئیس آمده اند، انسان هستند و اولین هویت و عامترین هویت آنها انسان بودن آنها است و نه تعلق مذهبی و یا ناسیونالیستی آنها، ثانیاً بسیاری از این مردم از دست دولتهای دیکتاتور و اسلامی فرار کرده و در سوئیس میخواهند آزاد باشند و زندگی کنند، ثالثاً هیچ سازمان ضد انسان و ضد زن اسلامی حق ندارد، خود را نمایندنده این مردم معرفی کرده و در اینجا نیز باج خواهی کند. و بالاخره ما در آنجا گفتیم نه فقط مخالف دادن پول مالیاتها به سازمانهای اسلامی هستیم، بلکه خواهان کوتاه شدن دست مذهب و کلیسا از دولت و آموزش و پرورش

هستیم و خواهان قطع سوبسید و مالیات به کلیسا نیز هستیم مالیات برای استفاده عمومی است و باید برای کارهای واقعا عام المنفعه باشد.

- در حال حاضر بحث برقع در برخی کشورها داغ است. موضوع حجاب و بیچین زنان در چادر و حجاب و برقع ویا بویژه حجاب کودکان موضوع مهم جدل در اروپا است. در فرانسه حجاب در مدارس ممنوع شده، و بحث ممنوعیت



برقع در اماکن عمومی مطرح شده، در این مورد نظر شما چیست؟

- بله بحث حجاب يك موضوع بسیار مهم در اروپا است. سازمانهای اسلامی و جنبش اسلامی و اسلام سیاسی، به حجاب حساس است، چرا که حجاب سمبل و پرچم این جنبش فاشیستی است. حجاب در خود، ضد زن و ضد برابری و حرمت زنان و دست و پاگیر و ایزوله کننده است. حجاب به نوعی يك سلول انفرادی است که زنان با خود حمل میکنند و تحقیر کننده است. اما حجاب بعد از ۱۹۷۹ و قدرت گرفتن جنبش اسلامی در ایران و در منطقه، يك پرچم مهم این جنبش بوده و اینها هر جا که پای خود را گذاشته اند، برای تحمیل حجاب به زنان کوشیده اند. در ایران و عراق و افغانستان و سودان و عربستان سعودی با اسید پاشیدن بر سر و صورت زنان، با شلاق و دستگیری و شکنجه و توهین به زنان و در اروپا با تهدیدات غیر علنی، با

مبارزه روزانه برای قانونی کردن حجاب در مدارس و محیط های کار و فعالیت، با شکایت های مکرر در مورد ممنوعیت حجاب و با شعارهای سانتی مانند مثل حجاب هویت من است و یا " سرم به من تعلق دارد" و غیره و اینجا نیز طبعاً با کمک مالی کالجریستها که حجاب را مدل لباس دانسته و تورانس با فرهنگها را تبلیغ میکنند، سعی میکنند پیشروی کنند. به کمک اسلام شناسانی که از قبل این شغل " شریف" نان میخورند.

حجاب يك موضوع حیاتی در نبرد بین المللی علیه جنبش اسلامی است. در فرانسه خوشبختانه بعد از مجادلات فراوان حجاب کودکان در مدارس ممنوع شده و تجربه نشان داده که در عرض چند سال گذشته، این ممنوعیت به کودکان و دختران کمک کرده، مقاومت چندان هم در مقابل این قانون نشد و کسانی که در روزهای اول ممنوعیت حجاب در مدارس مقاومت میکردند با بحث و آگاهی این مقاومت را کنار گذاشته و اکنون همه از تاثیرات مثبت این ممنوعیت حرف میزنند.

اکنون در فرانسه بحث ممنوعیت برقع در اماکن عمومی مطرح شده است. بحثها در طول دو هفته در این کشور زمانی داغ شد که شهردار کمونیست يك منطقه در لیون، در بازار يك زن با برقع را دیده و در يك گفتگو اعلام میکند که این مدل پوشش زنان که زن حتی چشمش نیز بیرون نیست و از پشت يك توری به دنیا نگاه میکند، يك زندان متحرک است که زنان با خود حمل میکنند. او گفت " برقع نوك كوه یخی است که باید با آن مقابله کرد"، در کشور مادر برخی از مناطق و محلات زن و مرد باهم هیچ رابطه ای ندارند اینها تحت فشار فوندانمنتالیستها اتفاق می افتد" ... در همه جای فرانسه و در پاریس بویژه سازمان " نه خدمتکار، نه فاحشه" و بسیاری از مدافعین حقوق زنان بر علیه

از صفحه ۱
دنیایی عاری از جنایت و اعدام

طول تاریخ میزان جنایت دولت ها هزاران بار بیشتر از قتل است که افراد مرتکب میشوند. امروز به ویژه در عصر تکنولوژی و در اوج قدرت و توانایی انسان در ایجاد یک دنیای آزاد و انسانی، بشر بیش از هر زمان دیگری به این نیاز دارد که پدیده جنایت و اعدام را برای همیشه از چهره جامعه بزدايد و دنیایی عاری از جنایت و اعدام بسازد.

روز جهانی علیه اعدام باید روز اعتراض جامعه جهانی به این شنيع ترین عمل انسانی باشد. باید روز پاس داشتن و گرمی داشتن ارزش و مقام و شان زندگی انسان در سراسر دنیا باشد. روزی که مردم دنیا هر چه رساتر بر سر حاکمان خود فریاد بکشند که ما به بی جان کردن انسان ها نیازی نداریم. کشتن عامدانه انسان ها را تحمل نمیکنیم. قوانینی که بر مبنای جنایت تنظیم شده باشند را نمیخواهیم.

روز جهانی علیه اعدام روز اعتراض به تمام دولتهایی است که بعنوان بزرگترین و حرفه ای ترین جانیان وحشیانه ترین جنایات را مرتکب میشوند. روز اعتراض به سیستم های قضایی است که در آن نه از عدالت خبری است و نه از احترام به حرمت انسان. سیستمهایی که خود عظیمترین دستگاه تولید جنایت در جامعه اند.

روز جهانی علیه اعدام روز اعتراض به جمهوری اسلامی بعنوان رکورددار اعدام در دنیا، پایتخت اعدام جهان است. دولتی که بساط اعدامش را در مقابل هر اعتراضی میگستراند. دولتی که کودکان را به قتل میرساند و زنها و مردان را بطور فجیع و تکان دهنده ای سنگسار میکند. دولتی که در آستانه روز جهانی علیه اعدام طناب دار را بر فراز سر ۸ نوجوان قرار داده و یک زن را در خطر سنگسار قرار داده است. روز ۱۰ اکتبر را در سراسر دنیا در هر شهر و کشوری گرد هم آییم و صدای جنبش دفاع از زندگی و حقوق انسانی را به گوش تمام دنیا برسانیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام همه مردم شریف و انسان دوست دنیا را فرا میخواند که در روز ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام را در سراسر دنیا به روز نمایش قدرت مدافعان حق زندگی و حقوق انسانی بدل کرده و با صدای رسا فریاد بزنند دنیا دیگر نیازی به اعدام ندارد. اعدامها را متوقف کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۴ اکتبر ۲۰۰۹

برقع فعالیت میکنند و قرار است کمیسیونی به این خواست رسیدگی کند و در سال ۲۰۱۰ در مورد ممنوعیت آن تصمیم گیری شود.

- نهاد اکس مسلم در این موارد چه کرده و چه میگوید؟

ما با اعلام کمپین " ما از مذهب رویگردانیم" عملاً يك جنبه وسیع علیه جنبش اسلامی ایجاد کرده و توجه میلیونها نفر را در دنیا به این معضل و مهمتر به راه حل های خودمان جلب کردیم. اکنون دیگر اکس مسلم در دنیا يك کمپین شناخته شده است و فعالیتهای ما و مبارزه روزانه و جدی ما با جریانات اسلامی در اروپا و در سطح بین المللی توجه ها و احترام زیادی را بخود جلب کرده است. این جنبه ای است علیه اسلامیهها و جنبش اسلامی و در عین حال علیه راستها و ضد خارجیها و فاشیست ها در اروپا. بسیار مهم است که در مقابل جنبش اسلامی ما فراریان از دست این جنبش و ما مدافعین سکولاریسم و جهانشمولی حقوق انسانی حرف بزنیم و در عین حال اجازه ندهیم که فاشیستها این مسائل را بهانه ای برای خارجی ستیزی قرار دهند و حکم اخراج خارجیان را صادر کنند!

برقع فعالیت میکنند و قرار است کمیسیونی به این خواست رسیدگی کند و در سال ۲۰۱۰ در مورد ممنوعیت آن تصمیم گیری شود.

- نهاد اکس مسلم در این موارد چه کرده و چه میگوید؟

ما با اعلام کمپین " ما از مذهب رویگردانیم" عملاً يك جنبه وسیع علیه جنبش اسلامی ایجاد کرده و توجه میلیونها نفر را در دنیا به این معضل و مهمتر به راه حل های خودمان جلب کردیم. اکنون دیگر اکس مسلم در دنیا يك کمپین شناخته شده است و فعالیتهای ما و مبارزه روزانه

کشیک همبستگی با مردم ایران در میدان ترافلگار وارد هفته دهم خود شد.

تظاهرات ۲۱ نوامبر در لندن، به ما ملحق شوید!

نژادپرستی و نسبییت فرهنگی خواهیم شد.

سخنرانانی که تاکنون اعلام آمادگی کرده اند از جمله نازنین افشین جم، مینا احدی، یاسمین علیبائی براون، روی براون، ای سی گرایلینگ، راحیلا گوپتا، جوان هاری، مریم هلیه لوکاس، کلر محبوب خان، هوزان محمود، مریم نمازی، تسلیمه نسرین، دیوید پالوک، فریبرز پویا، تری ساندرسون، سلینا آقا، جاس جام، عصام شکری، سهیلا شریفی، بهرام سروش، پتر تاتچل و غیره می باشند و نیز یک برنامه کمدهی از طرف نیک دوودی و برنامه های دیگر هم خواهیم داشت.

این دهمین هفته است که هر روز به مدت نیم ساعت یک نفر در میدان ترافلگار لندن می ایستد تا همبستگی خود را با مردم ایران نشان داده و توجه رهگنران را به جنبش انقلابی مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی جلب کند.

اگر در لندن هستید، لطفا در آکسیون 21 نوامبر ما که از ساعت 12 تا 2 بعد از ظهر در ضلع شمالی هاید پارک لندن برگزار می شود شرکت کنید. این حرکت در گرامیداشت روز جهانی کودک و روز جهانی برای لغو خشونت بر علیه زنان است.

اگر می خواهید برای اقدام نیم ساعته در همبستگی با مردم ایران دواطلب شوید و یا اگر اطلاعات بیشتری در رابطه با تظاهرات 21 نوامبر لازم دارید به مریم نمازی زنگ بزنید و یا برای او ایمیل بفرستید. شماره و آدرسهای تماس با مریم نمازی در زیر آمده اند:

از اهداف این تظاهرات نشان دادن ادامه اعتراض ما به قوانین شریعه و قوانین مذهبی در انگلستان و دنیا از جمله برقراری قوانین شریعه در سومالی و مناطق سواریت پاکستان در طول امسال و قانون مربوط به تجاوز در افغانستان است. بعلاوه ما می خواهیم همبستگی خود را با مردمی



که در برابر اسلام سیاسی در نقاط مختلف دنیا، و بطور مشخص در ایران ایستادگی می کنند نشان دهیم ما می خواهیم اعلام کنیم که حقوق انسان جهانشمول است و همه جای دنیا باید بجای مذهب قوانین سکولار پیاده شوند. در اعتراض 21 نوامبر بعلاوه اینها، ما از حق پناهندهگی برای آنها می که از دست قوانین اسلامی فرار کرده اند دفاع کرده و خواهان پایان دادن به

Tel: +44 (0) 7719166731

iransolidaritynow@gmail.com

<http://iransolidarity.blogspot.com>

www.iransolidarity.org.uk

گردهمایی، تظاهرات، سخنرانی

آلمان:

تظاهرات بر علیه حکومت جمهوری اسلامی، حکومت ۱۰۰ هزار اعدام فرانکفورت: روز شنبه ۱۰ اکتبر ساعت ۳ بعد از ظهر

مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران- Raimund str.90 (Dumbusch)

سوئیس:

بمناسبت روز جهانی علیه اعدام، برای نجات جان صد ها زندانی سیاسی محکوم به اعدام در زندانهای جمهوری اسلامی و در همبستگی با انقلاب از ادیخواهانه مردم:

گردهمایی و دایر کردن غرفه اطلاعاتی در مرکز شهر زوریخ - شنبه ۱۰ اکتبر از ساعت ۱۱ تا ۱۴ - زوریخ باتهوف شتراسه روبروی گلوبوس

سوئد: تظاهرات در دفاع از حق پناهندهگی و در اعتراض به اخراج متقاضیان پناهندهگی- جمعه ۹ اکتبر، ساعت ۱۱ صبح- جلو اداره مهاجرت در استکهلم Pyramidvägen 2 واقع در منطقه سولنا

آلمان: سخنرانی مینا احدی در باره در مورد جنبش انقلابی مردم در ایران و راههای پشتیبانی از آن- جشن شنبه ۲۲ ماه اکتبر ساعت هشت شب در مرکز فرهنگی وایمار در شهر وایمار

سخنرانی حمید تقوایی،

لیدر حزب کمونیست کارگری ایران در استکهلم و گوتنبرگ در سوئد

انقلاب چگونه به پیش میرود؟ و چگونه پیروز میشود؟

زمینه های سیاسی و اجتماعی، مضمون طبقاتی، نقش جنبشها و احزاب، و سیر محتمل انقلاب جاری در ایران

استکهلم- جمعه ۹ اکتبر در هوسبی ترف: Husby Träff از ساعت ۶ بعد از ظهر
گوتنبرگ- یکشنبه ۱۱ اکتبر از ساعت ۲ بعد از ظهر در Folkets Hus Järntorget

تماس با حزب کمونیست کارگری در خارج کشور

wpiranabroad@ymail.com

بابک یزدی، تورنتو ۰۰۱۴۱۶۶۷۱۷۱۳۸	خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹
ستار نوری، آمریکا ۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۲۷۱	حسن صالحی، سردبیر نشریه ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲
صابر رحیمی، نورژ ۰۰۴۷۹۸۶۹۴۰۰۱	نازنین برومند، دبیرخانه ۰۰۴۹۱۷۲۴۰۴۴۳۲۳
عباس محمدی، غرب کانادا ۰۰۱۶۰۴۷۲۷۸۹۸۶	یدی محمودی، امریکای شمالی ۰۰۱۴۱۶۷۲۶۹۳۲۱
عبدل گلپریان، فنلاند ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰	حسن صالحی، سوئد ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲
یدی کوهی، فرانسه ۰۰۳۳۶۳۶۳۳۹۰۵۴	محمد شکوهی، آلمان ۰۰۴۹۱۷۸۵۳۹۶۵۹۴
	جلیل جلیلی، انگلیس ۰۰۴۴۷۹۵۰۹۲۴۴۳۴
	بهمن خانی، هلند ۰۰۳۱۶۵۱۲۷۳۲۶۱

همکار نشریه: سعید اصلی

سایت "فوروم چپ در مورد ایران"

به ابتکار عباس گویا و Sunny Ravanbach شروع بکار کرد. آدرس اینترنتی این سایت بدین قرار است:

<http://leftistforumoniran.com/forum>